

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

حزب کار ایران (توفان)

۱۳ اپریل ۲۰۲۰

اطلاعیه

درگذشت یک رفیق قدیمی



رفیقِ ما، رفیقِ مهربانِ ما، مهندس مهربانِ فلاحت در ۲۶ مارچ ۲۰۲۰ در شهر مادرید در اثر ابتلاء به بیماری کرونا درگذشت.

رفیق مهربان در تاریخ ۲۲ ماه مه ۱۹۴۱ در حومه شهر یزد نصرآباد چشم به جهان گشود. وی فرزند سوم یک خانواده زرتشتی و کشاورز بود که آنها ایران را بعد از حمله اسلام، به آهنگ هند ترک نکردند و جزو پارسیان هند محسوب نشدند. وی از "پارسیان ایران" بود.

دوران کودکی را در خانه و مزرعه گذراند، چون در زمان رژیم آریا مهر، بزرگ ارتشداران، مظهر مهر تابان، در نزدیکی محل تولدش کودکستانی وجود نداشت،

کودکستان وی مزرعه کشاورزی بود. وی سپس به دبستان گام گذارد و با پایان دوره دبستان وارد هنرستان شد که تازه به رشته‌های تحصیلی دبیرستان اضافه شده بود.

مهربان که با همه مهربان بود، از نظر افکار عمومی مذهبی در این منطقه "گبر نجس" محسوب می‌شد، آتش پرست و مجوس بود، لوح کورشش را شاه بر سر دست گرفته و آریا مهر شده بود، ولی حقوق مهربان را به عنوان یک انسان زرتشتی و شهروند ایرانی زیر پا می‌گذاشت. شاه می‌طلبید تا کورش آسوده بخوابد و در تحت جمشید نمایش جشنهای دو هزاروپانصد ساله پارسیان را برگزار می‌کرد، ولی چند فرسنگ دورتر مسلمانان متعصب مجوسان این "گبرهای نجس" را به مجامع عمومی راه نمی‌دادند. مهربان که مظهر مهربانی بود، باید در کلاس درس مانند جذامی‌ها روی نیمکت جداگانه می‌نشست، دقیقاً همانند سایر زرتشتیان پارسی. وی مانند یک بیمار کرونائی حق رفتن به سلمانی مسلمانان را نداشت، سالن سلمانی ویژه مسلمین بود. مهربان نمی‌توانست به رستوران شهر رود، زیرا رستوران‌ها ویژه مسلمانان بودند، وی حق نداشت محل غذا خوردن، بستنی خوردن، آشامیدن خویش را خود آزادانه تعیین کند، این حق را مسلمانان متعصب یزد برای وی تعیین می‌کردند. در هنگام خرید در بازار حق نداشت دست به چیزی بزند که آن را "نجس" کند. وی نیز مانند همه اقلیتهای مذهبی در ایران که در زمان شاه نیز تحت فشار قرار داشتند، از این فشار اجتماعی رنج می‌برد.

مهربان مانند سایر فرزندان زرتشتیان و اقلیتها که فشار محیط مذهبی یزد را تحمل نمی‌کردند، به تهران آمد که در آنجا از این فشار خبری نبود و در نزد برادرش ساکن شد. شرایط سخت کنکور و بیکاری برای جوانان، وی را مجبور کرد

که برای ادامه تحصیل به آلمان آید که در آنجا امکان کار در کنار تحصیل برایش فراهم بود. وی در تمام دوران تحصیل در دانشکده مهندسی در رشته مکانیک در کارخانه شکرسازی "وترآ" کار می‌کرد و زندگیش را تأمین می‌نمود. در آلمان بود که با سازمان مارکسیستی لنینیستی توفان آشنا شد. وی دید که کمونیستهای توفانی با وی از یک کاسه غذا می‌خورند، از یک لیوان می‌آشامند، در غم و شادی هم شریکند. وی در حوزه‌های حزبی درک کرد که مرز میان انسانها پاک و نجس نیست، ستمکش و ستمگر است. وی دریافت که تاریخ تکامل بشریت تاریخ مبارزه طبقاتی است، تاریخ مبارزه به ضد نجسی و ظلمات برای پاکی و روشنائی است. مهربان دیگر تنها نبود ده‌ها و بعد از پیوستن وی به کنفدراسیون جهانی محصلان و دانشجویان ایرانی هزاران نفر در کنار و همراه وی بودند که برای گندزدائی از جامعه ایران و برچیدن بساط ستمشاهی برای یک ایران مستقل و دموکراتیک مبارزه می‌کردند. مهربان اینک دورنما داشت، زندگی اش مفهوم پیدا کرده بود، پیوندش با دانشجویان "مسلمان" و سایر اقلیتها پیوندی طبقاتی و انسانی بود. وی بعد از ختم تحصیلاتش برای ادامه مبارزه به ایران رفت و در گسترش نفوذ توفان در ایران فعال بود. وی در ایران در کارخانه کنتور سازی آ. ا. گ AEG به‌کار مشغول شد. وی بعد از ازدواج صاحب دو فرزند گردید. در انقلاب بهمن [دلو] با امیدی مضاعف شرکت کرد تا ایران آزاد، مستقل، دموکراتیک و غیرمذهبی را تجربه کرده و به‌چشم ببیند، ولی سلطه حکومت مذهبی جمهوری اسلامی محیط را برای وی و خانواده‌اش چنان تنگ کرد که این "پارسی ایرانی" به جای هند به اسپانیا مهاجرت کرد تا از گزند شوراها و اسلامی کارگران که از وی می‌خواستند نماز بخواند و از دستورات آنها پیروی کند در امان بماند.

البته بعد از انقلاب بهمن [دلو] با نطق خمینی که تأیید کرد کتاب اوستا یک کتاب آسمانی و مقدس می‌باشد، دین زرتشتی را به‌عنوان یک دین الهی توحیدی پذیرفت، نماینده آنان را در مجلس شورای اسلامی مورد تأیید قرار داده و به رسمیت شناخت، فضای ضد زرتشتی در شهرهای مذهبی ایران بشدت تغییر کرد. به‌طوری که دیگر مانند زمان شاه از مهربان-ها به‌عنوان "گبر نجس" در استان یزد و یا شهرهای قم و مشهد نام نمی‌بردند و مسلمانان متعصب به‌همزیستی مسالمت-آمیز با زرتشتیان موفق شده بودند، ولی در مجموع فضای خفقان‌آور مذهبی بعد از انقلاب، برای وی با آن سابقه ذهنی دوران کودکی قابل تحمل نبود. وی در اسپانیای سلطنتی از روح جمهورخواهی جمهوری اسپانیا، الهام می‌گرفت و در آنجا به کسب و کار پرداخت.

این رفیق در تمام دوران اقامت در اسپانیا به آرمانهای توفان وفادار ماند و از هیچ کمک مادی و معنوی نسبت به حزب کار ایران (توفان) کوتاهی نکرد. درگذشت این رفیق قدیمی توفان برای حزب ما یک ضایعه است. یادش برای جنبش کمونیستی ایران و حزب کار ایران گرامی باد. مهربان دیگر در میان ما نیست ولی مبارزه برای زدودن آلودگیهای اجتماعی ادامه دارد. مسلماً روزی فرا خواهد رسید که ایرانیان بتوانند نه تنها محل تولد و سکونت بلکه محل درگذشت خویش را نیز خود آزادانه برگزینند.

یادش گرامی و راهش موفق باد!

حزب کار ایران (توفان)

شنبه ۲۳ فروردین [حمل] ۱۳۹۹

www.toufan.org

کاتال رسمی تلگرام حزب کار ایران - توفان

<https://t.me/totoufan>